میراث‌نامه

با وجود هزینه کرد یک میلیاردی نورپردازی

موزه فرش ایران شبیه تاریکخانه است

■ CHN: نورپـردازی در موزه‌ها و گالری‌ها برای بهتر نشـان دادن آثـار تاریخی و هنـری یکی از اساسی‌ترین و کلیدی‌ترین کارهاست. با این حال نورپـردازی در موزه فرش ایـران چنان ضعیف و غیراسـتاندارد است که بازدیدکنندگان به سختی می‌توانند شاهکارهای هنر فرشبافی ایرانیان در این موزه را ببینند.

موزه فرش ایران در ضلع شـمالی پارک لاله و روبه‌روی فروشگاه سپه خیابان فاطمی تهران واقع اسـت. این موزه در ۲۲بهمن ۱۳۵۶ افتتاح شـد. معماری ساختمان این موزه به گونه‌ای طراحی شده کـه آذین‌های نمای بیرونی آن شـبیه به دار قالی است. سطح نمایشی موزه مسـاحتی برابر ۳۴۰۰ مترمربع را در بر می‌گیرد که شامل دو تالار است و برای نمایش انواع قالی‌های دستبافت و گلیم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تالار طبقه هم‌کف به نمایشگاه دایمی اختصاص دارد و تالار فوقانی جهت برگزاری نمایشـگاه‌های موقت گلیم و قالی طراحی شـده است. مجموعه موزه فرش ایران شامل با ارزش‌ترین نمونه‌های قالی ایران از قرن نهم هجری تا دوره معاصر است. معمولا حدود ۱۳۵ تخته از شـاهکارهای قالی ایران، بافت مراکز مهم قالی‌بافی مانند کاشان، کرمان، اصفهان، تبریز، خراسان، کردستان و جز آنها، در تالار طبقه هم‌کف به معرض نمایش گذاشته می‌شود.

طراحی زیبا و استاندارد موزه فرش و همین‌طور اسـتندهایی که برای آویختن فرش‌های تاریخی در ایـن موزه به کار رفتـه، در مجموع فضای زیبا و راحـت را برای بازدید گردشـگران، علاقه‌مندان و پژوهشـگران فراهم می‌کند تا شاهکارهای هنر فرش‌بافی ایرانی را از نزدیک ببینند، با این حال اما نحوه نورپـردازی فضای اصلی این موزه به گونه‌ای اسـت که طرح‌ها و نقش و نگار پیاده شـده روی فرش‌ها را به سختی می‌توان دید.

نورپـردازی انجام گرفته در مـوزه فرش ایران چنان اسـت که به تعبیر یک بازدیدکننده، اینجا بیش از آنکه به موزه شـبیه باشـد بـه تاریکخانه شـباهت دارد. صادق رهنما دانشجوی کارشناسی ارشـد رشته فرش دانشـگاه هنر تهران که همراه با تعـدادی برای دیدن فرش‌های ایـن موزه آمده اسـت، در این‌بـاره به CHN می‌گویـد: «من به دلیل علاقه شـخصی و رشـته تحصیلی‌ام یکی از بازدیدکننده‌های همیشـگی موزه فرش هستم و هر بار تعدادی از دوستان، هم‌دانشگاهی‌ها و اقوامم

را برای دیدن آثار بی‌نظیری که در اینجا هسـت، می‌آورم و برای آنها از زیبایی و اهمیت این فرش‌ها صحبت می‌کنم. اما متاسفانه نورپردازی در این موزه آنقدر ضعیف اسـت که به سختی می‌توان نقش و نگار و طرح‌های بی‌نظیری که روی این فرش‌ها اجرا شده را دید.» این دانشجوی فرش در ادامه می‌گوید: «همـه می‌دانند صنعت فرش‌بافـی ایران در همه جای دنیا سرآمد اسـت و طبیعتا باید موزه فرش ایران نیز از همه لحاظ بی‌نظیر و بی‌مانند باشد، اما متاسفانه این موزه با وجود طراحی بسیار مناسبی که در زمینه معماری دارد، در زمینه نورپردازی به شدت دچار مشکل است و بیشتر به تاریکخانه شبیه اسـت تا موزه.» نورپردازی ضعیف و غیراستاندارد موزه فرش و اعتـراض بازدیدکنندگانی مانند این دانشـجوی فرش در حالی است که در اردیبهشت ماه گذشـته مسـوولان اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشـگری استان تهران از انجام اقداماتی برای کاهـش ۷۰ درصدی مصرف انرژی در مـوزه فرش خبر داده بودند. این اقدام که از آن به عنوان «بهینه‌سازی مصرف انرژی در موزه فرش ایران» نام برده می‌شـد، در هفته میراث فرهنگی اجرا شد، بر همین اساس، تمام تاسیسات نورپردازی فضای داخلی، محوطـه و ویترین‌های این موزه با اعتباری یک میلیارد ریالی به لامپ‌های کم‌مصرف مجهز شد. با وجود این اما نتیجه کار نشان می‌دهد صرفه‌جویـی انرژی تنها به کاهـش نور و کیفیت نورپردازی در این موزه منجر شده است.

موزه فرش با سـاختمانی منحصربـه فرد که در سـاخت آن از دار قالی و معماری معاصر الهام گرفته شـده، در تقاطع خیابان فاطمی و کارگر شمالی واقع شده و تحت مدیریت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری است. این موزه در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۶ افتتاح شد و شامل دو طبقه است که طبقه اول به نمایشگاه دایمی و طبقه دوم هم به نمایشگاه‌های موقت فرش تعلق دارد. در حال حاضر طبقه دوم موزه فرش ایران به نمایـش فرش‌هایی با نمادهای محرم اختصاص یافته اسـت که در این نمایشگاه می‌توانید زیلویی از تفت در استان کرمان را ببینید که بیش از ۴۰۰ سـال قدمت دارد. گفته می‌شود فرش‌هایی که در این موزه گذاشته شده‌اند از شاهکارهای فرش‌بافی در ایران هسـتند و قدمت قدیمی‌ترین آنها به دوران صفویه و زمان حکومت شاه عباس باز می‌گردد. معمولا نمونه‌هایی از مراکز مهم قالی‌بافی مانند کاشان، کرمان، اصفهان، تبریز، خراسان، کردستان، تهران و... در تالار طبقه هم‌کف به معرض نمایش گذاشته می‌شود.

یادی از «باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی» پدر علم مرمت در ایران

مرمت آثار وابنیه تاریخی؛ پنج سال بدون استاد

علی رنگچیان*

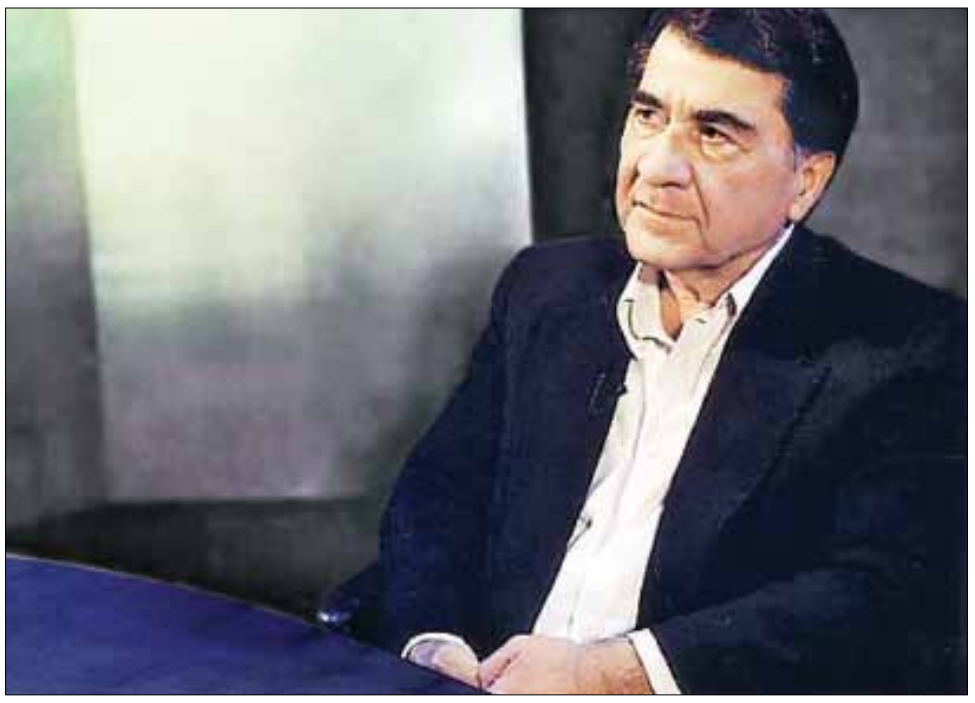

۲۸مرداد ما امسال برابر با پنجمین سالمرگ باقر آیت‌الله زاده شیرازی پدر علم نوین مرمت آثار تاریخی ایران است.

«استاد محمدکریم پیرنیا» در یادداشت‌های خود در کتاب تحقیق در معماری گذشته ایران در جایـی که از گرفتاری بیـش از حد خود در نظـارت و بازرسـی از امور حفاظـت از بناهای تاریخی در کشـور می‌گوید، به وجود اشخاصی اشـاره می‌کند که بار مسوولیت وی را سبک‌تر کرده‌اند: «خوشـبختانه در بعضی از اسـتان‌ها افـرادی کارآزموده داشـتیم، به‌همین دلیل در آن اسـتان‌ها اشکالی پیش نمی‌آمد. برای نمونه در اصفهان آقای «مهندس شیرازی» سرپرست سازمان بودند که من باید از ایشان چیزهایی یاد بگیرم...» و سپس می‌نویسد: «پس از انقلاب تنها کسی که می‌تواند سازمان را حفظ کند مهندس شیرازی است. همکاران، وی را برای سرپرستی سازمان انتخاب کردند تا اینکه «سازمان حفاظت آثار باسـتانی» به «سـازمان میراث فرهنگی» تبدیل شد.»

دکتر سـید باقر آیت‌الله‌زاده‌شیرازی، فرزند سیدمحمدحسین، در سال ۱۳۱۵ در نجف‌اشرف در خانـواده‌ای ایرانی، روحانـی و دینی به دنیا آمد. وی از نوادگان میرزای بزرگ شـیرازی است. او دوران کودکـی و نوجوانی خود را در فضای بسـیار غنی دینی، اعتقـادی، فرهنگی و علمی در نجـف و تهران طی کرد و در سـال ۱۳۳۵ موفق به اخذ دیپلم ریاضی از دبیرستان دارالفنون شد.

دکتـر آیت‌الله‌زاده‌شـیرازی در سـال ۱۳۴۲ با درجه عالی در رشـته کارشناسـی ارشـد معماری از دانشکده هنرهـای زیبای دانشـگاه تهـران فارغ‌التحصیل شـد. عنوان پایان‌نامه کارشناسـی ارشـد او «طرح پیشنهادی کانـون اصـلاح و تربیـت اطفـال بزهـکار» بـود. دکتر آیت‌الله‌زاده‌شـیرازی در سـال ۱۳۴۳ برای ادامه تحصیل به ایتالیا رفـت و در سـال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) با درجه عالی موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته مطالعه و مرمت بناها و بافت‌های تاریخی از دانشـکده معماری دانشگاه رُم شد. عنوان پایان‌نامه دکترای وی «پروژه احیای بازار اصفهان - مرکز کهن تجاری و فرهنگی شهر» بود.

شـیرازی خویش را از نسـلی می‌داند که بسیار تلاش کرده‌اند و موفقیت آنان ثمره همین تلاش‌هاسـت. وی در توصیف دوران رشـد خود می‌گوید: «زمان بسیار خاصی بود. دوران تولد من دوران اوج رضا شـاه بود و بعد از زمان جنگ جهانی دوم دوران حضیض او بود که در آن زمان به سنی رسیده بودم که فضای دوران جنگ و شرایط حاکم بر کشـور را درک کنم. هرچند کوچک بودم، اما خاطرات آن دوران برایم خیلی زنده است و سختی معیشت و حضور اجانب در کشورمان را لمس می‌کردم و می‌دیدم.»

اسـتاد شـیرازی به‌عنوان فردی پیشـرو و تلاشگر در عرصه مرمت ایران در توصیف اخلاق در مرمت می‌نویسد: «مرمت، اقدامی است که رابطه بین اثر و مرمتگر (انسان) را مشخص می‌کند. مرمتگر، انسانی است متخصص و هنرمند که نگاه عمیق به تاریخ دارد و مهم‌تر آنکه امروزی است و انسانی معاصر. او را جاذبه عشق به تاریخ، هنر و بالاتر از همه انسان به این کار کشانده است.

او انسان بی‌تفاوتی نیست و نگاهش به اثر تاریخی از روی شـناخت و عشق است و این عشق است که انگیزه‌ای است برای شناخت او و رابطه او با اثر، رابطه‌ای عاشقانه، عالمانه و هنرمندانه است. مرمت پیش از آنکه یک حرفه باشد، ترضیه روح و طلب رضای خداوند اسـت. به گفته متفکـری، مرمت ماموریتی اسـت که پیش از آنکه نبوغ بخواهد شـناخت می‌خواهد، بردباری می‌طلبد تا باروری، وجدان می‌خواهـد تـا هیجان، شـرافت می‌خواهـد تا تحصیل منفعت. در این وادی نباید به دنبال کسـب و کار بود، بلکه باید خود را وقف کرد. مرمـت تواضع می‌طلبد، خودخواهی و منیت برای این کار آفت اسـت. آن روزی که مرمت تمام شـود و نیت مرمتگر در آن رنگ گیرد و انعکاس یابد، اثر شخصیت می‌بازد. مرمتگر باید طوری عمل کند که کار او تاریخ را به بیان آورد و آن را تداوم بخشد. کار او تداومی تاریخی و استمرار بخشیدن به آن است. بیش از هرچیز، مرمتگر امانتداری پرهیزکار است. آنچه در دست او است امانتی است که با درستی و صداقت باید به نسل بعد بسپارد.»

دکتر شـیرازی در دوره حیاتش سمت‌های مهمی در زمینـه مرمت را عهده‌دار بـود، از آن میان می‌توان به این موارد اشاره کرد: «رییس دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران در استان اصفهان ۱۳۵۸-۱۳۴۶، رییس سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران و سرپرست اداره کل حفاظت آثار باسـتانی و بناهای تاریخی ۱۳۶۶-۱۳۵۸، معاون اجرایی و قائم‌مقام سـازمان میراث فرهنگی کشـور ۱۳۷۹-۱۳۶۶، کارشناس و مشاور علمی حفاظت و مرمت بناها و محوطه‌های تاریخی فرهنگی ۱۳۸۶-۱۳۴۵، مطالعـه، طراحـی و اجرای صدها پـروژه مرمت و احیـای بناها و بافت‌های تاریخـی و مجموعه‌های امروزین در ایران ۱۳۸۶-۱۳۴۲، طراح و مدیر پروژه طرح مطالعه، ساماندهی مرمـت و احیـای دولت‌خانه صفوی در شـهر اصفهـان ۱۳۵۳-۱۳۴۹ و ۱۳۷۹-۱۳۷۴ و همچنین همکاری افتخاری در دوران بازنشستگی با سازمان میراث فرهنگی کشـور در ارتباط با تهیه طـرح مرمت و احیای مجموعه تاریخی فرهنگی عمارت مسعودیه تهران و نظارت افتخاری بر اجرای آن، مرمت ارگ تاریخی بم، مسجد کبود، گنبد جنت‌سرای اردبیل، دیر گچین، قصر بهرام، عین‌الرشید و...

«سیدمحمد بهشتی» رییس پیشین سازمان میراث فرهنگی: دکتر شیرازی به‌عنوان پایه‌گذار بحث مرمت به مفهوم علمی در ایران به‌نحوی استاد همه کسانی است که در حوزه مرمت و احیای بناهای تاریخی فعالیت می‌کنند. او فقط کار فنی در این زمینه انجام می‌داد با آثار تاریخی ارتباط برقرار نمی‌کرد، بلکه آشنای فرهنگ ایرانی بود و به‌طور عمیق به این فرهنگ و آثار تاریخی عشق می‌ورزید

او علاوه بر فعالیت‌هایی که در داخل داشت در چندین پروژه در دیگر کشـورهای جهان نیز حضور داشـت که از جملـه آن نیز می‌تـوان از این مـوارد یاد کرد: «مطالعه و ارایه گزارش علمی در ارتباط با سـه شـهر اسـلامی اندونزی (منطقه حفاظت‌شده تاریخـی کدوس، دماک و چریبون)، یونسـکو، ۱۹۷۵، ارزیابی و کارشناسـی شـهر سـمرقند ازبکسـتان برای ثبت در فهرست میراث جهانی - ICOMOS (شـورای بین‌المللـی بناهـا و محوطه‌های تاریخی وابسته به یونسکو)، ۲۰۰۲. ارزیابی و کارشناسی مجموعه فرهنگی تاریخی حمد یسوی در ترکسـتان قزاقستان — IC MOS (شورای بین‌المللی بناها و محوطه‌های تاریخی وابسته به یونسکو)، ۲۰۰۳.

«سیدمحمد بهشتی» رییس پیشین سازمان میراث فرهنگی در رابطه با مرحوم شـیرازی در مراسم بزرگداشتی که به مناسبت اولین سالگرد وفات وی برگزار شـد، گفته بود: «مرحوم دکتر شیرازی به‌عنوان پایه‌گذار بحث مرمت به مفهوم علمی در ایران به‌نحوی استاد همه کسانی است که در حـوزه مرمت و احیـای بناهای تاریخی فعالیت می‌کنند. از آنجا که او به‌عنوان کسـی که فقط کار فنی در ایـن زمینه انجام می‌دهد با آثار تاریخی ارتباط برقرار نمی‌کرد، بلکه آشنای فرهنگ ایرانی بود و به‌طور عمیق به این فرهنگ و آثار تاریخی عشق می‌ورزید، وجودش به مثابه مهم‌ترین و راستگوترین شواهد این فرهنگ به‌شمار می‌رود.»

وی گفت: مرحوم دکتر شیرازی درست از زمانی فعالیت خود را در دهه ۴۰ شمسـی آغاز کـرد که به عبارتی اوج غفلت نسـبت بـه این فرهنگ بود. او همیشـه به میراث فرهنگـی به این دید نگاه می‌کـرد که ما باید امانتی را به نسـل‌های آینده واگذار کنیم و چه بسا او نسبت به نسل خود زیاد امیدوار نبود، ولی نسـبت به نسـل‌های آینده با امیدواری این موضوع را تعریف می‌کرد. به گفته او، مرحوم شیرازی انسانی صبور، بردبار، عاقبت‌اندیش، کیمیاگر، شاعر، رند و اهل تسـامح و تساهل و دارای خصوصیات فرهنگ ایرانی بود.

میراث فرهنگی برای شـیرازی بسیار مهم بود. برای او مرمت، حفاظت و رعایت یکسـری آداب و رسوم مرمت و حفاظت و خارج نشدن آنها از چارچوب‌های علمی اهمیت زیادی داشت. همچنین به تربیت نیروی انسانی متخصص در خـلال کار میدانی بسـیار اهمیت می‌داد. این اسـتاد دانشگاه ادامه داد: دکتر شیرازی برای بسیاری از کسانی که در حوزه حفاظت و مرمت فعالیت می‌کردند، یک دانشگاه بـود. او به مرتبه‌ای از اجتهاد نسـبت بـه موضوع میراث فرهنگی رسـیده بود که تقریبا همه کسانی که در سطح کشـور در این زمینه کار می‌کردند، او را مشاور همیشگی خود می‌دانسـتند. دکتر سید باقر آیت‌الله‌زاده‌شیرازی بعد از بیش از ۴۰ سـال تلاش خسـتگی‌ناپذیر، صادقانه و با اخـلاص برای حفظ و احیای هویت دینی و ملی ایران در روز یکشنبه ۲۸مرداد ۱۳۸۶ از دنیا رفت.

***کارشناس ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی**

سفر در سفرنامه‌ها - ۷ (سفرنامه آدام اولئاریوس)

مستشار فریدریش سوم در دربار شاه‌صفی

«آدام اولئاریـوس» اسـتاد زبان لاتین در دانشـگاه لایپزیـک آلمان، به فرمـان فریدریش سـوم در مقام مستشار و دبیر اول بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سفارتی که در قرن هفدهم از سـوی شاهزاده‌نشین مستقل آلمان «شلزویک هلشتین» به وجود آمد (که ایالتی در شمال غربی آلمان و در مرز دانمارک است) در کنار بیش از صد عضو این سفارت به دربار شاه صفی اعزام شد.

او در معیت سـفیر اول «فیلیپ کروزیوس»، مشاور حقوقی دانشمند دربار و سـفیر دوم «اتوبروگمان» که تاجری ورزیده و باتجربه و نیز طراح نقشه اعزام سفارت به ایران به‌شمار می‌رفت و با انتشار سفرنامه این ماموریت، به چهره‌ای مشهور در روابط ایران و آلمان بدل شد. وی در سـال ۱۵۹۹ میلادی در شهر «آشرس لبن» آلمان و در خانـواده یک کفاش متولد شـد و با زحمت زیاد و درحالی که مجبور به‌کار بود در ۱۶۲۷ از دانشکده فلسفه دانشگاه لایپزیک فارغ‌التحصیل شد و در همانجا به سمت استادی رسید.

اولئاریوس غیـراز زبان لاتین، ترکـی را هم خوب می‌دانست و به زبان فارسی هم آشنایی داشت که طی مسافرت به ایران آن را تکمیل کرد. در آغاز سفر وی ۳۴ سال داشت و خاطرات سفر را روزانه یادداشت می‌کرد و چون زبان ترکی و فارسی را می‌دانست مطالعات کاملی در زندگی مردم ایران کرده است.

اولئاریوس که برای رسـیدن به ایـران مدتی را در مسـکو اقامت داشته است، روس‌ها را در مقایسه با ملل اروپایی، اقوامی وحشی و غیرمتمدن می‌داند. وی آنها را مردمی زیرک و در عین حال مکار و حیله‌گر می‌داند که از استعداد و ذکاوت خود فقط برای به دست آوردن منافع بیشتر و ارضای مطامع خود استفاده می‌کنند. همچنین می‌نویسد: «مکر و دغل‌بازی روس‌ها را در معامله با آنها و خرید و فروش‌شان به خوبی می‌توان دریافت. آنها دایما در این فکرند که چگونه طرف خود را فریب داده و کلاه سـرش بگذارند و به همین جهـت در تجارت و معامله با روس‌ها انسـان باید حواسـش خیلی جمع باشد، در عین حال که مرتب دروغ گفته و کمتر حرف راستی بر زبان‌شان جاری می‌شود، به دیگران هم اعتماد نمی‌کنند و همه را دروغگو و حیله‌گر می‌پندارند و ضمنا کسـی که بتواند به آنها نیرنگ زده و کلاه‌شـان را بردارد مورد ستایش و تمجید قرار می‌دهند.» (اولئاریوس، ص ۲۰۹)

پس از صدور اجازه‌نامه مسـافرت به ایران از طرف تزار، هیـات آلمانی در روز ۱۶ ژوئن از مسـکو حرکت می‌کنـد و کشـتی آنها در طول رود ولگا تا بندر معروف حاج‌طرخان با گذر از مصایب و گرفتاری‌هـای بسـیار به دریای خزر می‌رسـد. در بدو ورود بـه این دریـا به علت ناآشنایی با وضعیت آنجا، پس از ناامیدی از اسـتمدادی که از یک سـرهنگ روس برای راهنمایی آنهـا می‌کنند، از صاحـب یـک قایـق ایرانی تقاضای کمک می‌کنند و به گفته اولئاریـوس این ایرانی جوانمرد قایق و کالای خود را به مستخدمان واگذار کرده، به شخصه هدایت کشتی را بر عهده می‌گیرد. (اولئاریوس، ص ۴۱۴)

هیات آلمانی در بدو ورود به ایران وارد شـهر باکویه شده، پس از توقفی سه‌ماهه در شماخی به‌سمت اردبیل حرکـت می‌کند و بـا عبور از شـهرهای زنجان، سـلطانیه، قزوین، سـاوه، قم، کاشـان و نطنـز به پایتخت ایـران وارد می‌شوند. در اصفهان به حضور شاه صفی می‌رسند. اولئاریوس در توصیـف وی می‌نویسـد: «شاه مردی ۲۷ساله، خوشرو، خوش‌قیافه و سـفیدرو به‌نظر می‌رسید. مانند همه ایرانی‌ها بینی عقابی‌شـکل، سـبیل و ریش کوتاه سیاه‌رنگ داشت. لبـاس او از پارچـه زربفـت ولی عـادی و معمولـی بوده و اختلافـی که با لباس دیگران داشـت آن بود که روی مندیل و دستار سر شاه یک جواهر درشت و یک پر دیده می‌شد. شمشیر شاه با جلد طلا و جواهرنشان چشم را خیره می‌کرد. عقب سرشاه نیز تیروکمان مخصوص وی را روی زمین گذاشته بودند.» (اولئاریوس، ص ۵۵۰)

وی سـپس بـه شـرح اصفهـان و دیدنی‌های آن می‌پردازد و به سرگرمی‌های موجود در میدان بزرگ شهر اشاره می‌کند، از جمله به بازی تخته نرد و شطرنج که در چایخانه‌ها رایج بوده، می‌پردازد و می‌گوید: «ایرانی‌ها در شطرنج استادند و در این بازی از روس‌ها مهارت زیادتری دارند.» (اولئاریوس، ص ۶۱۰)

او بـازار اصفهان را محل تجمع افراد همه ملل دنیا می‌داند و می‌نویسد در آنجا علاوه بر تجار ایرانی، بازرگانان هندی، تاتارهای خوارزم، ختایی، بخارایی، ترک، یهودی، ارمنی، گرجی و در کنار آنها تجار اروپایی از انگلسـتان، هلند، فرانسـه، ایتالیا و اسـپانیا مشـاهده می‌شـوند. (اولئاریوس، ص ۶۱۱)

اولئاریوس در شـرح مردمان ایرانـی به طول عمر آنها اشاره می‌کند و آن را ناشی از رعایت اعتدال غذایی می‌داند و می‌نویسد که ایرانیان در خوردن غذاهای چرب و مقوی و گران‌قیمت افراط نمی‌کنند.

وی ایرانیـان را مردمـان لاغرانـدام و در عین حال قوی و نیرومند توصیف می‌کند که رنگ چهره و پوست آنها قهوه‌ای و سـبزه بوده و بینی عقابی شکلی دارند. او به اهمیت نظافت و تمیزی نزد ایرانی‌ها اشـاره می‌کند و می‌نویسـد کـه: «از این لحاظ نقطـه مقابل روس‌ها هستند و به جرات می‌توان گفت که طویله ایرانی‌ها به مراتب تمیزتر از اتاق نشیمن روس‌هاست». (اولئاریوس، ص۶۴۴) اولئاریوس در بحث زبان به نکته جالبی اشاره می‌کند که: «در دربار سلطنتی اصفهان ترکی رواج دارد و انسان در آنجا کلمات ترکی را بیشتر از فارسی می‌شنود. در حقیقت این هم یک رسم است که در دربارها به زبان دیگری غیر از زبان خود صحبت کنند. چنانچه در دربار ترکیه به زبان اسلاو و در دربار هندوستان به زبان فارسی صحبت می‌کنند». (اولئاریوس، ص ۶۷۶)

هیات آلمانی پـس از پایان ماموریت خود این‌بار از طریق قزوین به سـرزمین گیلان وارد شـده و از مسیر رشـت و آسـتارا و با ورود به سرزمین داغستان تا مرکز هلشتین یعنی شهر گوتروپ به پایان سفر خود رسیدند. بروگمان سفیر دوم گروه پس از حسابرسی به‌دلیل ارایه صورت‌های جعلی و ساختگی از مخارج سفر به خیانت در امانت محکوم شده، اعدام شد.

منبـع: سـفرنامه آدام اولئاریـوس (دو جلـد)، ترجمه: مهندس حسین کردبچه، انتشارات هیرمند، چاپ اول: ۱۳۷۹

طرحی از اصفهان اثر آدام اولئاریوس

گزارش خبری

گنجینه‌ای از سنگ‌های قیمتی در اوج محرومیت

■ مهر: کرمان جزو سه استان برتر کشور در زمینه معادن سنگ‌های قیمتی محسـوب می‌شود این درحالی اسـت که در بسـیاری از مناطقی که این گنجینه‌ها قرار دارند محرومیت خودنمایی می‌کند. کنکاش‌هـای باستان‌شناسـان در محوطه‌هـای باسـتانی پیش از تاریخ استان کهن کرمان نشان می‌دهد که در اکثر این مناطق سنگ‌های قیمتی جزو جدانشدنی از داشـته‌های مردمان این خطه بوده است. طبق بررسی‌های صورت گرفته تجارت سنگ‌های قیمتی در استان کرمان قدمتی معادل ۶ تا ۷ هزار سـال دارد که نشان از این دارد که این نوع تجارت ریشه در تاریخ و فرهنگ کرمان دارد. اما با وجود گنجینه‌های غنی و قابل توجه سنگ‌های قیمتـی و نیمه قیمتـی در اسـتان کرمان کمتر توجهی به سـرمایه‌گذاری و توسعه این بخش در استان صورت گرفته است و این روزها این تجارت کهن کرمانی‌ها روزگار خوشی ندارد.

اسـتفاده از سـرمایه‌های بومی در این بخش نه‌تنها می‌تواند در رونق بیش از پیش تولید ملی در استان تلاش کند بلکه می‌تواند در محرومیت‌زدایی در این مناطق و افزایش اشتغال نیز تاثیر بالقوه‌ای داشته باشد که به علت عدم توجه مناسب تاکنون چنین اتفاقی روی نداده است اما طی سال‌های اخیر مسوولان استان رغبت بیشتری به سرمایه‌گذاری در ایـن بخش پیدا کرده‌اند بـا این وجود اکثر این رغبت‌ها در گام نخسـت باقی مانده و کمتر جنبه عملی به خود گرفته است.

در حال حاضر اکثر سنگ‌های قیمتی و تزیینی استان کرمان بدون کوچک‌ترین ارزش افزوده پس از اسـتخراج، از استان کرمان خارج می‌شوند و در استان‌های صاحب سبک همچون خراسان رضوی و قم پس از تراش خوردن و تبدیل شـدن به سایر اقلام، با قیمـت چند برابـر ارزش اولیه به فروش می‌رسند و در این میان کمتر اسمی از استان کرمان نیز برده می‌شود.

اسـتان کرمان بـه گفته کارشناسـان در کنار خراسان رضوی و قم جزو سه قطب متمرکز معادن سـنگ‌های قیمتی محسوب می‌شـود که در این میان کرمان گنجینه‌ای از سـنگ‌های موسوم به «گارنت» اسـت هر چند به دلایل امنیتی مکان و میزان ظرفیت این معادن به صورت عمومی اعلام نمی‌شـود اما بدون شـک ذخایر استان کرمان در این زمینه در کنار دو استان دیگر قابلیت اقتصادی قابل توجهی را برای کشور ایجاد کرده است که در صورت سـرمایه‌گذاری دقیق در این بخش ضمن اینکه می‌توان اقتصاد را از جنبه تک‌قطبی بر مبنای نفت خارج کند بلکه به سـادگی می‌توان گام‌های بسیار بلندی را در زمینه افزایش تولید ملی و ایجاد بستری مناسب برای اقتصاد مقاومتی برداشت.

محمـد قیومـی، کارشـناس و فعـال بخش سنگ‌های قیمتی در گفت‌وگو با مهر در خصوص ذخایـر اسـتان کرمـان گفـت: در واقـع کرمان گنجینه‌ای از سـنگ‌های گارنت اسـت که شامل سنگ‌های اواروویت، گراسولا، پیروپ و دیمانتویید، در کوهـی، ترمالین، یشـم، جاسـپر آندروزیت، اپیدوت، آمینیست و فیروزه است همچنان کرمان بهشت سنگ‌های قیمتی در ساختمان‌سازی است کـه باید موردتوجه جدی قرار گیرد. وی ادامه داد: برخی کشورهای همسایه به خصوص افغانستان و پاکستان به دلیل سـرمایه‌گذاری مناسب در این بخش از کشـور ما جلوتر هسـتند اما همچنان به دلیل عدم سرمایه‌گذاری معادن سنگ‌های قیمتی کشور به خصوص در استان کرمان جایگاه خود را پیدانکرده‌اند.

قیومی گسـتره کاربرد این سـنگ‌ها را بسیار وسـیع برشـمرد و گفت: نباید تصور شود که این سنگ‌ها تنها برای ساخت زیورآلات و قرار گرفتن در گالری‌های جواهرات مناسب هستند بلکه این سـنگ‌ها می‌توانند در بسـیاری از صنایع و علوم پیشرفته کاربردهای غیرقابل انکاری داشته باشند که چندین برابر گالری‌های جواهرات برای کشـور درآمدزایی دارند. محمد صادقی یکی دیگر از فعالان این عرصه در گفت‌وگو با مهر اظهار داشـت: یکی از مشکلات عمده در این بخش نداشتن شناسنامه و بستر مناسب در بخش سنگ‌های قیمتی استان کرمان است زیرا به دلیل تبلیغات بسیار بالای سایر اسـتان‌ها و سـکوت عجیبی که بر این صنعت در استان کرمان حاکم است، سنگ‌های کرمان به نام سایر استان‌ها به فروش می‌رسد در حالی که کیفیت سنگ‌های کرمان اکثرا از سایر مناطق بیشتر است. وی ادامه داد: کرمان به بهشت معادن ایران شهرت دارد و در زمینه‌هـای مختلف شـرایط جغرافیایی کرمان به گونه‌ای رقم خـورده که معادن غنی در استان وجود دارد که اکثرا بکر و دست نخورده باقی مانده‌اند و تعجب صاحب‌نظران را دربردارد.

وی عـدم آموزش در ایـن بخش را بزرگ‌ترین ضربه بـه این بخـش اقتصادی دانسـت و گفت: اسـتخراج‌کنندگان و حتـی برش‌دهنـدگان این سـنگ‌ها باید از آموزش لازم برخوردار باشـند اما این امر در کرمان روی نداده و سـرمایه اسـتان به صـورت خام هدر می‌رود و همچنان تنها امری که در این مسیر اتفاق می‌افتد، خام‌فروشی است. وی در ادامه به بازار بسیار مناسب خاورمیانه برای فروش سـنگ‌های قیمتی اشاره کرد و گفت: وجود مراکز مذهبی در خاورمیانه زمینه بسـیار مناسبی برای توسعه صنعت در بخش ساخت زیورآلات است اما تاکنون این اقدام صورت نگرفته است.